

Vida, I. & Dmitrovic, T. (2008) "The Role of Ethnic Affiliation in Consumer Ethnocentrism", *European Journal of Marketing*, Vol 42, No. 314.

Wyn, J. & White, R. (1997), *Rethinking Youth*, London: Sage.

ابوالفضل ذوالفقاری، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد است (نویسنده مسئول).

zolfaghariab@gmail.com

لاوین سلطانی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی است. Soltani\_Lavin@yahoo.com

پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 2

## پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی

(مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد)

محمدجواد زاهدی، علی بیرانوند

**چکیده :** مشارکت شرایطی را فراهم می‌کند که در آن همه شهروندان صرف‌نظر از تعلقات قوم‌مدارانه و یا علایق و اعتقادات شخصی‌شان متناسب با سطح مهارت و توانمندی‌های ذهنی در تمام پدیده‌های اجتماعی تأثیرگذار باشند. یکی از جنبه‌های مهم مشارکت، مشارکت سیاسی است. استقرار نظام دموکراتیک نیازمند زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مناسبی است از این رو مطالعه علمی این زمینه‌ها هم می‌تواند چگونگی نیل به دموکراسی را روشن کند و هم اینکه در شناخت و معرفی الگوهای مشارکت سیاسی متناسب با نظام اجتماعی کشور کارساز باشد. کنش‌ها، ارتباطات و همچنین نوع و سطح مشارکت سیاسی افراد در هر جامعه‌ای به میزان زیادی متأثر از تفاوت‌های اقتصادی اجتماعی آن‌ها است. در این تحقیق کوشیده‌ایم به این سؤال مهم پاسخ دهیم که آیا بین متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی با نوع نگرش به مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد؟ متغیر وابسته در این پژوهش، مشارکت سیاسی است که در شش سطح فعالیت حزبی و انتخاباتی، تماس با صاحب‌منصبان، ارسال پیام برای مسئولان، اقدام برای حل معضلات اجتماعی، کنش اعتراض‌آمیز و کنش رأی

دهی مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر مستقل تحقیق، پایگاه اقتصادی اجتماعی است که با سه شاخص میزان سواد، میزان درآمد و منزلت شغلی محاسبه شده است. جهت سنجش نگرش به مشارکت سیاسی جامعه آماری پژوهش، از فن پرسشنامه به‌مثابه اصلی‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد 18 سال و بالاتر ساکن شهر خرم‌آباد است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد 384 نفر به‌عنوان نمونه تعیین شد. روش نمونه‌گیری این پژوهش روش طبقه‌ای و خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم شهر خرم‌آباد و نگرش آنان به مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند پاسخ‌گویانی که دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین هستند با مشارکت سیاسی مخالفت بیشتری داشته‌اند.

**مفاهیم کلیدی:** مشارکت، مشارکت سیاسی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، فعالیت انتخاباتی و حزبی، کنش رأی‌دهی، کنش اعتراض‌آمیز.

#### مقدمه

توسعه پایدار جامعه در گرو توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است. توسعه سیاسی از آن میان از اهمیت بیشتری برخوردار است. جامعه‌ای که از نظر سیاسی ساختارمند و مبتنی بر عقلانیت باشد جامعه‌ای مطلوب است که در آن مناصب و مسئولیت‌های مهم و تأثیرگذار از طریق تحقق شایسته‌سالاری توسط افراد خلاق، خردمند و با مهارت اشغال می‌شود. در این صورت است که بهره‌وری افزایش یافته و جامعه قدم‌به‌قدم به وضعیت آرمانی نزدیک خواهد شد. مشارکت سیاسی یکی از ابعاد توسعه سیاسی است که دست‌کم این پیامد مهم را خواهد داشت که شهروندان بتوانند متناسب با توانایی‌ها و شایستگی‌هایشان در امور سیاسی فعالیت نموده و مردم‌سالاری واقعی را تحقق بخشند. ازجمله کارکردهای مشارکت سیاسی این است که دستگاه دیوان‌سالاری را کم‌وبیش پالایش کرده، چرخش نخبگانی آرام و مسالمت‌آمیز در آن میسر بوده و هر از چندگاهی مناصب کلیدی جامعه به افرادی دیگر واگذار گردد. بدین‌سان مشارکت سیاسی شهروندان، شرایطی را فراهم می‌آورد که جامعه به‌طور مستمر از وجود افراد توانمند، بهره‌مند گردیده و یا اقتدار را از کسانی که شایستگی آن را ندارند بازستانند.

مشارکت سیاسی به هر نوع فعالیت داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر در سطح ملی و محلی (پای و دیگران، 1380) برای گزینش حکومت‌گران و شکل‌گیری سیاست عمومی (سیلز، 1968) و به‌طور کلی سهیم‌شدن در

تصمیم‌گیری نسبت به سرنوشت سیاسی خود (یو، 1381) اطلاق شده است. مشارکت سیاسی مظهر نوع خاصی از دموکراسی است که دموکراسی مشارکتی<sup>1</sup> نامیده می‌شود.

به عقیده باتومور پیشرفت را می‌توان نتیجه گسترش این نوع از دموکراسی دانست؛ زیرا اصلاحات واقعی متضمن توزیع قابل توجه قدرت است که از طریق این نوع دموکراسی حاصل می‌شود. او استدلال می‌کند که تفویض قدرت ریشه‌ای در داخل ملت دولت، به مناطق و مراجع محلی که عامه مردم می‌توانند سیاست‌ها و خط مشی‌هایشان را به صورت نزدیکی‌تری مشاهده کرده و بر آنها تأثیر بیشتری بگذارند از طریق دموکراسی مشارکتی محقق می‌شود. این شیوه متضمن مشارکت تعداد هرچه بیشتری از مردم در شکل‌دادن به سرنوشت جوامع‌شان از طریق فعالیت‌های جمعی و حضور فعال در فرایندهای سیاسی است. امروزه مردم به طور فزاینده‌ای آگاه‌تر و آموزش‌یافته‌ترند و از اوقات فراغت بیشتری برای اختصاص‌دادن آن به خود انتظام‌بخشی<sup>2</sup> به شکل‌های زندگی‌شان برخوردارند و با مشارکت در فرایندهای سیاسی می‌توانند نقش مؤثرتری در سرنوشت سیاسی جوامع‌شان ایفا کنند. باتومور نتیجه می‌گیرد که هرگاه دموکراسی مشارکتی محقق گردد آنگاه احتمال آن هست که جنبش‌های اجتماعی به صورت‌های بسیار متنوعی از نفوذ بیشتری برخوردار شوند، از هم‌گسیختگی ضروری تمرکز قدرت نخبگان سیاسی تقویت شده و در همان حال اسباب سلطه واقعی طبقات فرودست‌تر فراهم گردد. (باتومور 1993، به نقل از هارالامبوس و هالبورن، :2000 620) رفتارهای اجتماعی افراد مبتنی‌بر ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که نماد میزان پای‌بندی افراد به این ارزش‌ها و هنجارها در نوع نگرش آنان به امور مختلف تبلور و تجلی می‌یابد. این نگرش‌ها خود متأثر از عواملی هستند که از جمله می‌توان به پایگاه اقتصادی اجتماعی اشاره نمود.

مدارک و شواهد گسترده‌ای وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اقتصادی اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه‌ای که در آن مشارکت صورت می‌گیرد فرق می‌کند. (راش 1381 : 131). میلبرث و گوئل به این نکته اشاره کرده‌اند که افراد با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین‌تر نرخ مشارکت سیاسی پایین‌تری داشته (میلبرث و گوئل، :1386 103) و برعکس

---

<sup>1</sup>.participatory

<sup>2</sup>.self-regulation

یافته‌های مطالعات متعدد نشان داده است که افراد متعلق به طبقات بالا به دلیل اینکه دارای فرصت‌های مشارکتی گسترده‌تری هستند احتمال بیشتری دارد که در سیاست مشارکت کنند. آنان همچنین بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و مشارکت سیاسی کشورهای مختلف سطوح متفاوتی از همبستگی را یافته‌اند (همان: 145).

در کشور ما مشارکت سیاسی از زمان وقوع انقلاب مشروطه حیات یافته است. انقلاب مشروطه در تاریخ ایران از آن جهت که زمینه‌های مشارکت سیاسی مردم را فراهم کرده و نمودهای آن از جانب حاکمیت به رسمیت شناخته شده است نقطه عطفی به‌شمار می‌رود. از آن زمان تاکنون مردم ایران هزینه‌های زیادی را برای دستیابی به نظام سیاسی دموکراتیک و نهادینه کردن مشارکت سیاسی پرداخت کرده‌اند. با این‌همه در ایران نظام سیاسی دموکراتیکی که فضای مناسبی برای مشارکت سیاسی فراهم آورد به وجود نیامده است چراکه «به‌طور سنتی گرایش نیرومندی به توتالیتراریسم ایدئولوژیک وجود داشته است که طبعاً بر افکار هیئت‌های حاکم در طی تاریخ تأثیری تعیین کننده گذاشته است. در این‌گونه فرهنگ سیاسی، سیاست مشغله‌ای خصمانه تلقی گردیده و در آن بهترین راه حل برای تأمین منافع هر طرف، ادامه منازعه و عدم سازش به‌شمار رفته است.» (بشیریه، 1382: 31). در سه دهه اخیر گام‌های اساسی برای تغییر این روند برداشته شده است اما تا دستیابی به شرایط آرمانی گام‌های بسیاری باقی مانده است. در چنین وضعیتی اگر خواسته باشیم مشارکت سیاسی را در راستای تحقق اهداف توسعه محور کشور هدایت و تقویت کنیم و چنانچه بخواهیم کنش‌های سیاسی جامعه را در چارچوب الگوهای پذیرفته‌شده، عقلانی و مبتنی بر خرد جمعی مدیریت نماییم بدون تردید بایستی مشارکت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی دقیق و موشکافانه قرار دهیم. در این شرایط سؤالی که به‌عنوان پرسش اصلی و آغازین پژوهش مورد توجه قرار گرفت این بوده است که: آیا بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی مردم رابطه معناداری وجود دارد؟ برای سنجش این رابطه وضعیت مردم ساکن شهر خرم‌آباد مطالعه شد. پس از انقلاب سال 57 گونه‌هایی از سطوح مشارکت سیاسی در کشور و از جمله در خرم‌آباد فراگیر شد اما میزان استقبال شهروندان خرم‌آبادی در همه سطوح مشارکت سیاسی یکسان نیست؛ مثلاً بنابر یافته‌های تحقیقی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان رفتارهای فرهنگی ایرانیان انجام داده است، فقط 1/8 درصد

اعضای خانواده‌های شهرستان خرم‌آباد در تشکلهای سیاسی مشارکت یا عضویت دارند این در حالی است که اکثریت آنان در سطوح پایین‌تر مشارکت سیاسی مانند کنش رأی‌دهی فعالانه حضور دارند. یافتن پاسخی منطقی برای چرایی چنین رخدادی نیازمند توسعه پژوهش در جامعه است تا پس از آگاهی از قواعد حاکم بر کنش‌های سیاسی، راهبردهای مناسبی برای بهبود شرایط موجود طراحی شود.

از طرفی باتوجه به اینکه طی سال‌های اخیر تغییرات اساسی در اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و ارتباطی مردم خرم‌آباد به‌وجود آمده است شناخت نگرش آنان به مشارکت سیاسی موضوع مهمی است. از این‌رو با عنایت به موضوع تحقیق حاضر در صورتی‌که چگونگی رابطه‌ی پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان خرم‌آباد نسبت به نگرش مشارکت سیاسی اثبات گردد می‌توان دریافت که کنش‌های سیاسی‌شان چگونه و در چه سطحی است.

## مبانی نظری

### مشارکت سیاسی

به‌طور کلی مشارکت، مفهومی اجتماعی و بیان‌کننده نوعی از رابطه اجتماعی است از این‌رو نزدیک به تمامی فعالیت‌های جمعی از هر نوع و برای هر هدفی دربرگیرنده نوعی مشارکت است. (پیران، 1376: 4). از رهیافتی دیگر ویکی رندال<sup>1</sup> مشارکت را دخالت‌دادن هرچه بیشتر اقلشاری که خواهان سهم‌شدن در تصمیم‌گیری نسبت به سرنوشت سیاسی خود هستند تعریف کرده است. (یو، 1381: 27). یکی از مهم‌ترین ابعاد مشارکت، مشارکت سیاسی است.

مشارکت سیاسی به آن دسته از فعالیت‌های داوطلبانه گفته می‌شود که شهروندان از طریق آن درصدد تأثیرگذاری یا حمایت از حکومت و سیاست برمی‌آیند. (میلبرث و گوئل، 1386: 12).

هربرت مک کلوکی<sup>2</sup> مشارکت سیاسی را چنین تعریف کرده است: «فعالیت‌های داوطلبانه که به‌وسیله آن اعضای یک جامعه در گزینش حکومت‌گران و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در شکل‌گیری سیاست عمومی سهم می‌شوند» (سیلز، 1968: 252).

از نظر نلسون مشارکت سیاسی به هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر

---

<sup>1</sup>.vicky Randal

<sup>2</sup>.H. Mc Closky

که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی اعم از محلی و یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به‌کار گیرد اطلاق شده است. (پای و دیگران، : 1380 247-248).

پری (1977) تبیین‌های مشارکت سیاسی را به دو نوع نظریه‌های ابرازی و نظریه‌های تکاملی تقسیم می‌کند. نظریه‌های ابرازی، مشارکت سیاسی را وسیله‌ای برای یک هدف یعنی برای دفاع یا پیشبرد یک فرد یا گروهی از افراد، و سدی در برابر جباریت و استبداد در نظر می‌گیرند. وارثان نهایی نظریه ابرازی فایده‌گرایان و کثرت‌گرایان‌اند. نظریه تکاملی استدلال می‌کند که شهروند آرمانی، یک شهروند مشارکت‌کننده است و بنابراین مشارکت، اعمال مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. (راش، : 1381 139).

مشارکت سیاسی با تعدادی از نظریه‌های مهم در جامعه‌شناسی سیاسی ربط دارد؛ مثلاً هم در نظریه نخبگان و هم در نظریه کثرت‌گرا نقشی اساسی دارد. اگرچه نقش آن در هر یک از این نظریه‌ها عمیقاً متفاوت است. نظریه نخبگان، مشارکت سیاسی قابل توجه را به نخبگان محدود می‌کند و توده‌ها را به‌طور عمده غیرفعال و یا آلت دست نخبگان می‌داند. اما برای نظریه کثرت‌گرایی، مشارکت سیاسی کلید رفتار سیاسی و عامل مهمی در تبیین توزیع قدرت و تعیین سیاست است. (راش، : 1381 123).

میلبرث و گوئل، مردم برخی از جوامع توسعه‌یافته را از لحاظ درجه مشارکت به سه مقوله کلی تقسیم نمودند که عبارتند از :

1. بی‌تفاوت‌ها<sup>1</sup> : یعنی اشخاصی که از جریان‌های سیاسی کناره می‌گیرند (حدود یک‌سوم جمعیت بالغ).

2. ناظران<sup>2</sup> : دسته‌ای که در امور سیاسی مشارکت حداقلی دارند (حدود 60 درصد از جمعیت بالغ).

3. گلا دیاتورها: اشخاصی که در صحنه سیاست فعالانه مبارزه می‌کنند (5 تا 7 درصد از مردم). (میلبرث و گوئل، : 1386 27).

میلبرث با استفاده از تحقیقات و مطالعات انجام‌شده پیشین که به وضعیت پیچیده‌تری از مشارکت سیاسی دست‌یافته‌اند سبک‌های مختلف آن را چنین توصیف نموده است :

1. رأی‌دهی: عمل رأی‌دادن مستلزم اطلاعات و انگیزه‌های عمیقی نسبت به سایر فعالیت‌های سیاسی نیست. بسیاری از اشخاصی که

---

<sup>1</sup>. apathetics

<sup>2</sup>. spectators

به لحاظ سیاسی فعال نیستند ممکن است رأی بدهند و به عکس، عده ای از فعالان سیاسی ممکن است زحمت رأی دادن را به خود ندهند.

2. فعالان انتخاباتی و حزبی<sup>1</sup> : در هر نظام سیاسی تنها درصد اندکی از مردم در مقوله فعالان انتخاباتی و حزبی قرار می گیرند. این افراد در مبارزات سیاسی همان گلا دیاتورها هستند.

3. فعالان اجتماعی<sup>2</sup> : از بسیاری جهات، فعالان اجتماعی شبیه فعالان انتخاباتی و حزبی هستند، هر دوی آنها از يك الگوی عام عملگرا تبعیت می کنند و هر دوی آنها سطح بالایی از تعلق روان شناختی به موضوعات اجتماعی دارند. تفاوت عمده در این است که فعالان اجتماعی بسیار کمتر از فعالان حزبی درگیر سیاست انتخاباتی هستند.

4. تماس با صاحب منصبان<sup>3</sup> : شخص با يك صاحب منصب حکومتی به این خاطر تماس می گیرد که دغدغه موضوع خاصی را دارد که به طور مستقیم با آن درگیر است. افراد این مقوله معمولا فعالانه درگیر موضوعات سیاسی نیستند. این سبک مشارکت را به سختی می توان دارای سرشت سیاسی دانست. لذا وریا و نای آن را مشارکت محلی نامیده اند.

5. معترضان<sup>4</sup> : در سالهای اخیر شاهد رشد روزافزون اعتراض علیه حکومت، به ویژه از جانب سیاهان، دانشجویان و زنان بوده ایم. درصد کمی از مردم موضع معترضانه ای علیه نظام سیاسی اتخاذ می کنند. شرکت در تظاهرات خیابانی و در صورت لزوم شورش برای وادار کردن صاحب منصبان دولتی به اصلاح اشتباهات سیاسی خود و... از جمله رفتارهای اعتراض آمیز هستند.

6. پیام دهندگان<sup>5</sup> : پیام دهندگان، بیشتر از فعالان حزبی و وطن پرستان تمایل به انتقاد از حکومت دارند، اما معمولا برای بیان دیدگاه های انتقادی خود از اقدامات اعتراضی استفاده نمی کنند. بسیاری از افراد به ندرت سعی می کنند نامه ای به مقامات رسمی بنویسند، بنابراین فرد باید مسئولیت پذیری زیادی داشته باشد تا به جای اقدام عملی به چنین کاری

---

1. party and compaign workers

2. community activists

3. contacting officials

4. protestors

5. communicators

مبادرت ورزد. (میلبرث گوئل، :1386 27\_32). یکی از رایج‌ترین شکل‌های مشارکت سیاسی، شرکت در انتخابات به صورت رأی‌دهی است که خود فراهم‌کننده فضای عمومی کنش سیاسی و در مواردی حتی هموارکننده راه بروز دیگر شکل‌های مشارکت سیاسی است. رفتار انتخاباتی صرفنظر از آن‌که به‌طور مستقیم مبین دامنه، ابعاد و تداول کنش‌های سیاسی در یک جامعه است، به‌طور نامستقیم نیز چارچوب عمومی نگرش مردم به مشارکت سیاسی را بازگو می‌کند. دورماگن و موشار در تبیین رفتارهای انتخاباتی دو رویکرد را از هم متمایز می‌کنند (1389: 209 تا 251):

الف: رویکردهای دترمینیستی که مشتمل‌اند بر (1) مدل‌های اکولوژیکی؛ (2) مدل تبیینی با متغیرهای سنگین، از قبیل پایگاه اقتصادی اجتماعی ودین؛ و (3) وزن متغیرهای سیاسی و ایدئولوژیکی که در آن رفتار انتخاباتی نتیجه مجموعه‌ای از تعیین‌کننده‌های روان‌شناختی است.

ب: رویکردهای مبتنی بر برنامه‌های انتخاباتی فردی که مشتمل‌اند بر (1) رأی متکی بر ارزیابی برنامه‌ها که خاص جوامع پیشرفته با نسبت بالایی از کنشگران سیاسی تحصیلکرده است؛ (2) انسان اقتصادی انتخاباتی که بازگوی مدل «انتخاب‌کننده عقلانی» است و در چارچوب مفهوم تحلیل اقتصادی رأی قرار می‌گیرد؛ (3) رأی‌دهندگان جدید که بیان‌کننده رفتار انتخاباتی بر مبنای برآوردهای فردی از برنامه‌های پیشنهادی نامزدها است. برخی دو نوع مشارکت سیاسی را نام برده‌اند: فعالانه و منفعلانه. مشارکت فعالانه جلوه‌ای عقلایی دارد و مبتنی بر شناخت موقعیت ضروری حکومت برای رفع نیازهای کلان جامعه است. بدین لحاظ مشارکت‌کنندگان فعال سعی دارند تا به مقتضای رفع نیازهای جمعی جامعه حکومت را با حمایت مالی و فکری و عملی خود یاری دهند. از سوی دیگر مشارکت منفعلانه از وضعیتی اضطراری ناشی می‌شود که جنبه عاطفی دارد و به شکل نابهنجار تسلیم در مقابل خواسته‌های سرکوب‌گرانه حکومت و یا به‌عکس عدم مشارکت و درنهایت مشارکت اعتراض‌آمیز و یا خشونت‌آمیز در جامعه اطلاق می‌شود. (سیف‌زاده، :1373 149).

بر این اساس مشارکت سیاسی پیوستاری است که از یک طرف به مشارکت فعالانه و از سوی دیگر به مشارکت منفعلانه (عدم مشارکت یا مشارکت خشونت‌آمیز) منتهی می‌شود.

### **رابطه مشارکت سیاسی و پایگاه اقتصادی اجتماعی**

بسیاری از مردم به طبقات بالا تمایل داشته و ارزش‌های آن طبقات را رعایت می‌کنند. تقریباً هیچ‌کس تمایلات رو به طبقات



پایین ندارد. اشخاصی که تحرك اجتماعی صعودی دارند ممکن است به‌عنوان بخشی از تلاش‌شان برای رسیدن به طبقات بالا، فعال شوند. مهم نیست که طبقه چگونه اندازه‌گیری می‌شود، مطالعات به‌طور مکرر نشان داده‌اند که افراد متعلق به طبقات بالا نسبت به اشخاص متعلق به طبقات پایین احتمال بیشتری دارد که در سیاست مشارکت کنند. (میلبرث و گوئل، 1386: 145).

### چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق برای مطالعه رابطه متغیر مستقل (پایگاه اقتصادی اجتماعی) و متغیر وابسته (نگرش به مشارکت سیاسی) چارچوب نظری لازم از تلفیق آرای لستر میلبرث و مایکل راش استخراج شده است. مدل سلسله مراتب مشارکت سیاسی میلبرث به‌وضوح به سطوح مشارکت سیاسی اشاره دارد و به همین دلیل در تحقیقات مختلف به کار رفته است. همان‌گونه که اشاره شد میلبرث و گوئل مردم برخی از جوامع توسعه‌یافته را از لحاظ درجه مشارکت به سه مقوله کلی تقسیم نمودند: بی‌تفاوت‌ها؛ ناظران؛ گلا دیاتورها. این دو، ذیل این سه دسته شش سبک مختلف مشارکت سیاسی را توصیف نموده‌اند که از این قرارند:

- 1) کنش رأی‌دهی؛
- 2) فعالیت انتخاباتی و حزبی؛
- 3) فعالیت اجتماعی؛
- 4) تماس با صاحب‌منصبان؛
- 5) کنش اعتراض‌آمیز؛
- 6) کنش پیام‌دهی؛

مایکل راش ضمن تأکید بر مدل سلسله‌مراتب مشارکت سیاسی میلبرث و گوئل به این نکته اشاره می‌کند که مشارکت سیاسی لزوماً متضمن فعالیت در يك سطح به‌عنوان پیش‌شرط فعالیت در سطحی دیگر نیست. راش اعتقاد دارد هرچه سطح فعالیت بالاتر باشد میزان مشارکت که برحسب تعداد افراد درگیر در يك فعالیت معین سنجیده می‌شود پایین‌تر است. وی همچنین معتقد است که نوع و سطح مشارکت سیاسی افراد متناسب با پایگاه اقتصادی اجتماعی و برخی از ویژگی‌های جامعه‌شناختی آنان با هم متفاوت است. (راش، 1381: 131). در این تحقیق برای تدوین چارچوب نظری پژوهش، سطوح مشارکت سیاسی شامل کنش رأی‌دهی، فعالیت انتخاباتی و حزبی، فعالیت اجتماعی، تماس با صاحب‌منصبان، کنش اعتراض‌آمیز و کنش پیام‌دهی از نظریه میلبرث و گوئل گرفته شده است. همچنین برای بررسی میزان و چگونگی رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی و نوع و سطح مشارکت سیاسی از نظریه مایکل راش استفاده شد.

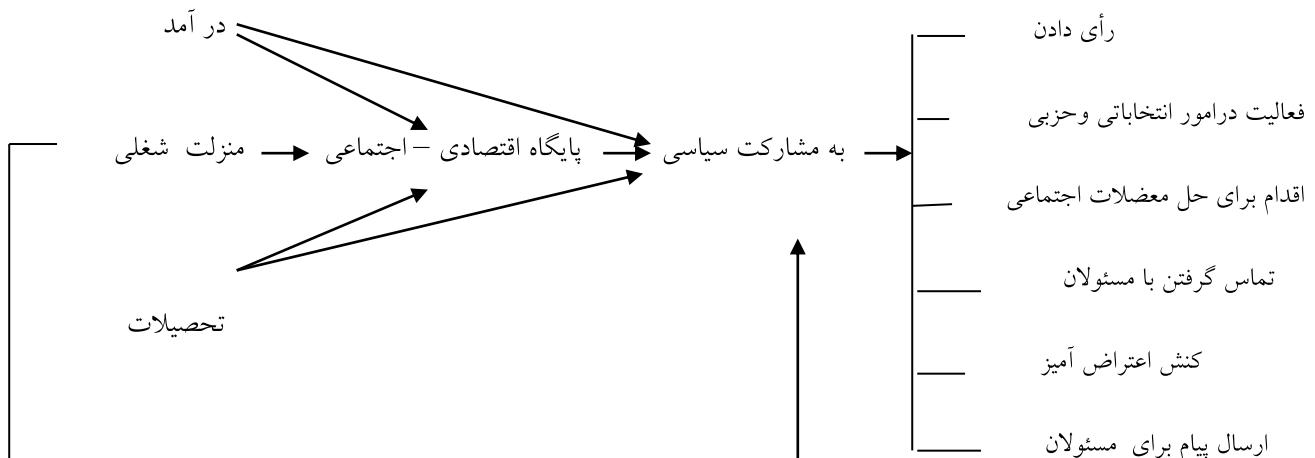
### فرضیه‌های تحقیق

روابط مفروض زیر بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مورد نظر است:

1. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم شهر خرم آباد و نگرش آنان به عمل رأی دادن رابطه معناداری وجود دارد.
2. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم شهر خرم آباد و نگرش آنان به فعالیت در برنامه های انتخاباتی و حزبی رابطه معناداری وجود دارد.
3. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم شهر خرم آباد و نگرش آنان به اقدام برای حل معضلات اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
4. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم شهر خرم آباد و نگرش آنان به تماس گرفتن با مسئولان سیاسی محلی رابطه معناداری وجود دارد.
5. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم شهر خرم آباد و نگرش آنان به شرکت در کنش های اعتراض آمیز رابطه معناداری وجود دارد.
6. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم شهر خرم آباد و نگرش آنان به ارسال پیام برای مسئولان سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

### مدل تحلیلی

از آنجا که تئوری های مورد اشاره هیچکدام از جامعیت کافی برخوردار نبوده و به تنهایی نمی توانند رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی را تبیین نمایند از این رو مفاهیم اساسی تئوری های میلبرث و گوئل و راش تلفیق و از طریق بازسازی عقلانی مفهومی آن، دستگاه نظری متناسب با مسئله تحقیق ارائه شده است. ساختار منطقی دستگاه نظری پژوهش را می توان به این شکل صورت بندی کرد :



براساس این دستگاه نظری، متغیرهای درآمد، منزلت شغلی و تحصیلات بر چگونگی نگرش به مشارکت سیاسی افراد تأثیر مستقیم دارند. از سویی پایگاه اقتصادی اجتماعی که مجموع این متغیرها را شامل می‌شود خود تأثیری متفاوت از تکتک این متغیرها را بر روی نوع نگرش به مشارکت سیاسی افراد دارد.

#### روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق پیمایشی استفاده شد. از نظر هدف کاربردی این تحقیق، از نظر دامنه خرد، از نظر وسعت پهنانگر، و از نظر زمان مقطعی است. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد 18 سال و بالاتر ساکن شهر خرم‌آباد است که براساس سرشماری سال 1385 برابر 150489 نفرند. حجم نمونه تحقیق از طریق فرمول کوکران محاسبه و 384 نفر تعیین شد.

روش نمونه‌گیری این پژوهش طبقه‌ای و نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. با عنایت به اینکه امکان تهیه فهرست کاملی از افراد جامعه آماری پژوهش وجود ندارد از این روش استفاده شد. انتخاب نمونه‌ها در چندمرحله و بدین شرح صورت گرفت:

مرحله اول: براساس نقشه تفصیلی شهر به مناطق مختلف تقسیم بندی شد.

مرحله دوم: سپس بلوک‌های ساختمانی هر منطقه مشخص و شماره گذاری شد.

مرحله سوم: در این مرحله با فرض اینکه در هر بلوک 10 واحد نمونه انتخاب خواهد شد تعداد 40 بلوک و از هر بلوک 10 واحد، با استفاده از جدول اعداد تصادفی بر روی نقشه مشخص شد. چنانچه واحد انتخاب‌شده آپارتمان بوده باشد از بین آپارتمان‌ها يك واحد به‌طور تصادفی انتخاب شده است.

در این پژوهش از فن پرسشنامه به‌مثابه اصلی‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی استفاده شده است. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات کارشناسان فن از روش روایی محتوایی اثبات شده است. بدین منظور پرسشنامه پس از تدوین در اختیار چند تن از اساتید قرار گرفته و با استفاده از نظرات افراد متخصص و صاحب فن، اصلاح و ترمیم شد. پس از تعیین روایی پرسشنامه، پایایی آن مشخص شده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای انجام این کار پس از توزیع و جمع‌آوری

50 پرسشنامه بین جامعه مورد مطالعه و با استفاده از بسته نرم افزاری spss اعتبار آنها محاسبه شد که ضریب آلفای آن در جدول شماره 1 به تفکیک معرفها آورده شده و حاکی از پایایی بالای ابزار اندازه گیری است.

جدول شماره 1. ضریب آلفای کرونباخ مربوط به معرفهای پرسشنامه تحقیق

معرفها	آلفای کرونباخ
فعالیت در امور انتخاباتی و حزبی	0/85
تماس با مسئولان	0/95
ارسال پیام برای مسئولان	0/90
کنش اعتراض آمیز	0/80
اقدام برای حل معضلات اجتماعی	0/85
رأی دادن	0/92

#### تعاریف مفهومی و عملیاتی تحقیق

**مشارکت** : می توان مشارکت را آن دسته از فعالیتهای شهروندان عادی تعریف کرد که از طریق آن درصد تأثیرگذاری یا حمایت از حکومت و سیاست برمی آیند. (میلبرث و گوئل، :12 1376).

**مشارکت سیاسی** : فعالیتهای داوطلبانه ای است که به وسیله آن اعضای يك جامعه در گزینش حکومتگران، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در شکل گیری سیاست عمومی سهم می شوند (سیلز، :1968 252). منظور از مشارکت سیاسی در این تحقیق عبارت است از سطوح مشارکت سیاسی که شامل رأی دهی، فعالیت در امور انتخاباتی و حزبی، اقدام برای حل معضلات اجتماعی، تماس گرفتن با مسئولان سیاسی محلی، شرکت در کنشهای اعتراض آمیز، ارسال پیام برای مسئولان سیاسی می شود.

**کنش رأی دهی** : منظور از کنش رأی دهی در این تحقیق عبارت است از رأی دادن در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، شورای شهر و روستا و رأی دادن در همه

پرسی‌ها (رفراندوم).

**کنش اعتراض‌آمیز:** در این تحقیق منظور از آن عبارت است از مشارکت شهروندان در کنش‌هایی چون عدم پذیرش قوانین ناعادلانه، شرکت در تظاهرات خیابانی، شرکت در اعتصابات برای وادارکردن مسئولان دولتی به اصلاح اشتباهات سیاسی، شرکت در تحصن و تجمع‌های اعتراض‌آمیز و...

**فعالیت‌های انتخاباتی و حزبی:** کلیه فعالیت‌هایی است که شهروندان برای طراحی و اجرای برنامه‌های انتخاباتی یا عضویت و حمایت از یک انجمن یا حزب سیاسی انجام می‌دهند.

**پایگاه اقتصادی و اجتماعی:** پرکاربردترین مقیاس برای تعیین جایگاه فرد در نظام قشربندی اجتماعی شاخص اجتماعی اقتصادی (SES) استاندارد دانکن است که برای اکثر پیمایش‌ها و نمونه‌های بزرگ عالی به‌کار گرفته می‌شود. این مقیاس درآمد، تحصیلات و وجهه شغلی را به‌حساب می‌آورد. (میلر، 1380: 384).

منزلت شغلی یکی از متغیرهایی است که برای محاسبه پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد مورد استفاده قرار گرفت. برای بررسی منزلت شغلی جامعه مورد مطالعه از مقیاس ساختار پرستیژ شغلی ایران استفاده شده که شامل 159 شغل رایج در ایران است. براساس این مقیاس مشاغل تخصصی و مدیریتی سطح بالا که اقتدار بالایی را نیز سبب می‌شوند مانند دانشمندان، استاد دانشگاه، رئیس‌جمهور، وزیر و... بالاترین پرستیژ را دارند و به ترتیب با تنزل تخصص و اقتدار از پرستیژ مشاغل کاسته می‌شود به‌طوری که در انتها به مشاغل یدی مانند کارگر ساده ساختمانی، باربر، رفتگر و... می‌رسد. براساس مقیاس ساختار پرستیژ شغلی ایران مشاغل در 9 طبقه پرستیژی از رتبه 1 تا رتبه 9 طبقه‌بندی شده‌اند. (نایبی، 1381 و نایبی و عبداللهیان، 1381: 230).

از آن‌جا که ترکیب درآمد، تحصیلات، حیثیت شغلی و سایر متغیرهای دموگرافیک عینی هستند در این پژوهش به‌عنوان ملاک و معیار سنجش پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد به‌کار گرفته شده و به این ترتیب ابعاد مختلف و مؤثر در قشربندی را جمع نموده و برآیند آن را «شاخص» جای شخصی در نظام قشربندی محسوب نموده ایم.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول شماره 2. گروه‌بندی پاسخ‌گویان برحسب نوع نگرش به مشارکت سیاسی

نگرش به مشارکت سیاسی	توزیع فراوانی	درصد معتبر
مخالف	73	19/0
تاحدودی موافق	88	22/9
موافق	223	58/1
مجموع	384	100

جدول شماره 3. درصد پاسخ‌گویان برحسب نگرش به سطوح مشارکت سیاسی

سطوح مشارکت سیاسی	فعالیت در امور انتخاباتی و حزبی	تماس گرفتن با مسئولان	ارسال پیام برای مسئولان	کنش اعتراض آمیز	اقدام برای حل معضلات اجتماعی	کنش رأی دادن
کاملاً مخالف	0/3	4/7	6/0	10/2	6/3	9/9
مخالف	18/0	14/6	16/4	36/7	16/4	8/6
تاحدودی موافق	33/6	13/3	17/2	26/8	24/0	14/1
موافق	30/2	23/7	23/7	22/1	25/5	21/6
کاملاً موافق	18/0	43/8	36/7	4/2	27/9	45/8

بر اساس جدول شماره 2 جمعیت نمونه را برحسب نوع نگرش به مشارکت سیاسی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

19 درصد مخالف مشارکت سیاسی، 58/1 درصد موافق مشارکت سیاسی و 22/9 درصد نیز به‌طور مشروط با مشارکت سیاسی موافقت دارند که احتمالاً بازگوکننده نگرش مثبت و موافق با مشارکت سیاسی در

مواردی است که متضمن پرداخت هیچ‌گونه هزینه‌ای نبوده و مخالفت با انواعی از مشارکت سیاسی است که متضمن پرداخت هزینه‌هایی در ازای این مشارکت است. همچنین براساس جدول شماره 3 که درصد پاسخ‌گویان برحسب نگرش به سطوح مشارکت سیاسی را نشان داده است پاسخ‌گویان با تماس‌گرفتن با مسئولان و کنش رأی‌دهی بیشترین موافقت را ابراز نموده‌اند. آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال برای بررسی رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی اجرا شده است (جدول شماره 4). براساس این آماره، چون ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال تاوبی محاسبه شده (کندال تاوبی =  $0/392$ ) بزرگتر از ضریب همبستگی جدول در سطح خطای  $0/01$  با درجه آزادی 384 است بنابراین می‌توان پذیرفت که با اطمینان  $0/99$  بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد و چون علامت ضریب کندال مثبت است، شکل ارتباط مستقیم می‌باشد یعنی با افزایش پایگاه اقتصادی اجتماعی میزان موافقت با مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره 4. ضریب همبستگی کندال پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی

نگرش به مشارکت سیاسی	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	
0/392 **	1/000	پایگاه اقتصادی - اجتماعی ضریب همبستگی کندال تاوبی
0/000	0	سطح معناداری
384	384	مجموع
1/000	0/392 **	نگرش به مشارکت سیاسی ضریب همبستگی کندال تاوبی
0	0/000	سطح معناداری
384	384	مجموع

### رگرسیون و تحلیل چندمتغیری فرضیه‌های تحقیق

برای پیش‌بینی میزان تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر نگرش به مشارکت سیاسی مردم خرم‌آباد یک تحلیل رگرسیون اجرا شد (جدول شماره 5). نتایج این تحلیل نشان داد که پایگاه اقتصادی اجتماعی به میزان معنی‌داری روی نگرش به مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد. ( $p < 0/001$ ،  $f(382,1) = 93/981$ ،  $R^2 = 0/195$ ) ضرایب بتای استنادارده شده برابر  $0/444$  است که میزان تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی روی متغیر وابسته یعنی نگرش به مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد و آزمون  $t$  نیز سطح معنی‌داری رابطه را نشان می‌دهد. به بیان دیگر به ازای یک واحد تغییر در پایگاه اقتصادی اجتماعی  $0/444$  تغییر نگرش به مشارکت سیاسی مردم خرم‌آباد قابل پیش‌بینی خواهد بود. با توجه به مثبت‌بودن رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی به‌طور کلی نتیجه آزمون اشاره به این دارد که با افزایش پایگاه اقتصادی اجتماعی، افراد نگرش مثبت‌تری نسبت به مشارکت سیاسی خواهند داشت. یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی  $0/197$  تغییرات نگرش به مشارکت سیاسی را تبیین نموده است و باقیمانده تغییرات مربوط به متغیرهایی است که در این بررسی مد نظر قرار نگرفته است.

جدول شماره 5. رگرسیون پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر نگرش به مشارکت سیاسی



سطح معناداری	آماره-t	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		مدل	
		Beta	Std/ Error	B		
0/000	11/782		0/167	1/964	مقدار ثابت	1
0/000	9/694	0/444	0/091	0/882	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	

برای پیش‌بینی میزان تأثیر درآمد، شغل و تحصیلات بر نگرش به مشارکت سیاسی مردم خرم‌آباد یک تحلیل رگرسیون چندمتغیره اجرا شد (جدول شماره 6). نتایج این تحلیل نشان داد که درآمد، منزلت شغلی و سطح سواد افراد به میزان معنی‌داری روی نگرش به مشارکت سیاسی اثر می‌گذارند. ( $p < 0/001$ )،  $f(380.3) = 40/450$ ،  $R^2 = 0/242$ ) ضرایب بتای استاندارد شده نشان دهنده میزان تأثیر هر متغیر بر روی متغیر وابسته‌اند و آزمون t نیز سطح معناداری رابطه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشترین تأثیر متعلق به منزلت شغلی ( $0/244$ ) و بعد از آن درآمد ( $0/239$ ) و در نهایت میزان سواد ( $0/219$ ) است.  $R^2$  یا ضریب تعیین محاسبه شده برای مجموع متغیرهای یاد شده در اینجا برابر است با  $0/24$  که بیانگر این است که  $0/24$  از تغییرات نگرش به مشارکت سیاسی را سه متغیر درآمد، منزلت شغلی و میزان سواد توضیح می‌دهند.

به بیان دیگر به ازای یک واحد تغییر در میزان درآمد  $0/239$  تغییر نگرش به مشارکت سیاسی مردم خرم‌آباد قابل پیش‌بینی خواهد بود. نیز به ازای یک واحد تغییر در منزلت شغلی  $0/244$  تغییر نگرش به مشارکت سیاسی مردم خرم‌آباد قابل پیش‌بینی خواهد بود. همچنین به ازای یک واحد تغییر در میزان سواد  $0/219$  تغییر نگرش به مشارکت سیاسی مردم خرم‌آباد قابل پیش‌بینی خواهد بود.

با توجه به مثبت‌بودن رابطه‌ها به‌طور کلی نتایج آزمون اشاره به این دارند که افراد با سطح درآمد، میزان سواد و منزلت شغلی بالاتر نگرش مثبت‌تری نسبت به مشارکت سیاسی خواهند داشت.

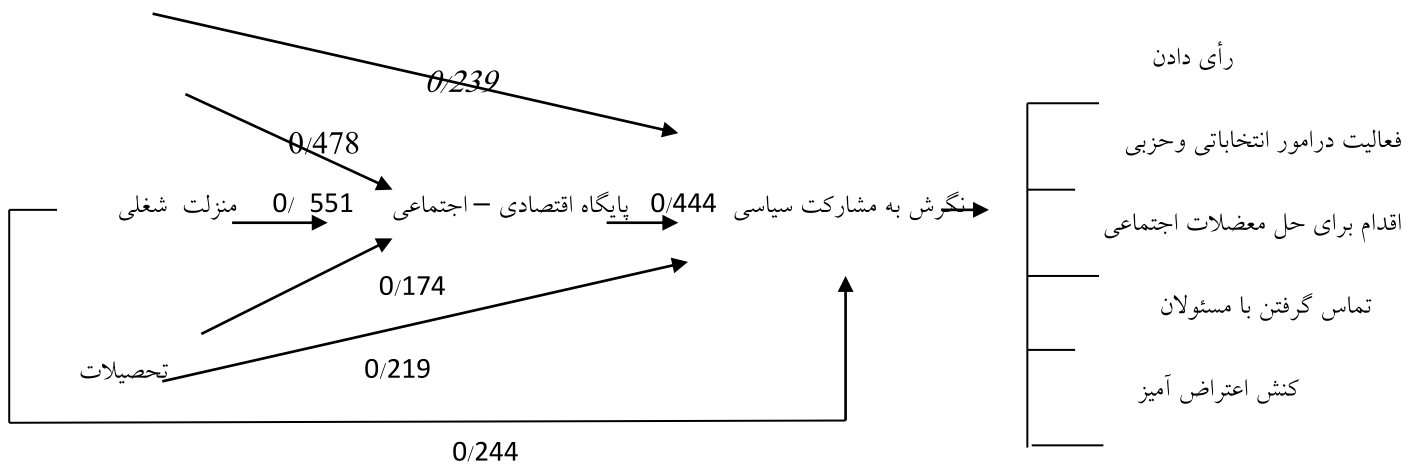
**جدول شماره 6. رگرسیون درآمد، منزلت شغلی و میزان سواد بر نگرش به مشارکت**

### سیاسی

سطح معناداری	آماره-t	ضرایب	ضرایب رگرسیونی		مدل	
		رگرسیونی استاندارد شده	استاندارد نشده	Std/ Error		
0/000	37/533		0/078	2/940	مقدار ثابت	1
0/000	9/115	0/423	0/034	0/307	درآمد	
0/000	31/530		0/088	2/787	مقدار ثابت	2
0/000	7/010	0/351	0/036	0/255	درآمد	
0/000	3/541	0/177	0/021	0/075	منزلت شغلی	
0/000	15/437		0/147	2/272	مقدار ثابت	3
0/000	4/320	0/239	0/040	0/173	درآمد	
0/000	4/757	0/244	0/022	0/103	منزلت شغلی	
0/000	4/320	0/219	0/030	0/130	میزان سواد	

### آزمون مدل تحلیلی و تحلیل مسیر متغیرهای تحقیق

بر اساس ضرایب استاندارد شده (بتا) به دست آمده از آزمون‌های تحلیل رگرسیون، تحلیل مسیر پژوهش حاضر بدین صورت است :



این نمودار نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق از طریق تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر به چه صورت و چه نوع تأثیری بر متغیر وابسته یعنی نگرش به مشارکت سیاسی دارند. برحسب این مدل، بین متغیر درآمد و نگرش به مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب بتای درآمد بر روی نگرش به مشارکت سیاسی برابر با 0/239 است. اما زمانی که تأثیر درآمد را از طریق پایگاه اقتصادی اجتماعی بر روی نگرش به مشارکت سیاسی اندازه‌گیری می‌کنیم رابطه متفاوت می‌شود. شواهد دلالت بر آن دارند که تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق همبستگی با متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی به اندازه 0/212 است. همچنین برحسب این مدل، بین متغیر منزلت شغلی و نگرش به مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب بتای منزلت شغلی بر روی نگرش سیاسی برابر 0/244 است. اما هنگامی که تأثیر منزلت شغلی از طریق پایگاه اقتصادی اجتماعی بر روی نگرش به مشارکت سیاسی اندازه‌گیری می‌شود 0/245 از تغییرات نگرش به مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند. همچنین برحسب این مدل، بین متغیر تحصیلات و نگرش به مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب بتای تحصیلات بر روی نگرش به مشارکت سیاسی برابر 0/219 است. اما زمانی که تأثیر تحصیلات از طریق پایگاه اقتصادی اجتماعی بر روی نگرش به مشارکت سیاسی اندازه‌گیری می‌شود 0/077 از تغییرات

نگرش به مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند. همگی این ضرایب همبستگی در سطح 99 درصد معنادار بوده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی رفتاری داوطلبانه است که افراد جامعه با استفاده از آگاهی‌ها، مهارت‌ها، تخصص و توانمندی‌های خود در صدد تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی و انتخاب حاکمان و اداره‌کنندگان جامعه هستند. اگرچه گونه‌های مختلف مشارکت در کشورمان سابقه‌ای به اندازه تاریخمان دارد، با این حال برخی از این گونه‌ها از تازگی برخوردارند. مشارکت سیاسی یکی از شیوه‌های نوین مشارکت است. مشارکت سیاسی در ایران از انقلاب مشروطه به این‌سو شکل یافته و کنش‌های مشارکت‌جویانه سیاسی باب‌گشته است. بر این اساس می‌توان گفت تولد و رشد مشارکت سیاسی در ایران با پیدایش و حرکت تکاملی مدرنیته در آن، هم‌زمان است.

اگر بپذیریم همان‌گونه که مارشال می‌گوید حقوق سیاسی در کنار دو دسته دیگر از حقوق یعنی حقوق مدنی و حقوق اجتماعی بهترین معرف حقوق شهروندی است که در رژیم‌های دموکراتیک و طی زمان رشد می‌یابند (مارشال، 1973) و نیز اگر هم‌راستا با همه صاحب‌نظرانی که درباره مدرنیته سخن گفته‌اند حقوق شهروندی و ابعاد سه‌گانه آن را از دستاوردهای عصر نوین و مدرنیته بدانیم، آنگاه می‌توان پذیرفت که افزایش تقاضا برای کسب حقوق سیاسی که یکی از بهترین نمادهای آن داشتن نگرش مثبت به حضور فعال در عرصه مشارکت سیاسی است، نشانه معناداری از ورود به عرصه زندگی نوین و مدرنیته است. علاوه بر این شکی نیست که نگرش مثبت به مشارکت سیاسی بر جامعه پذیری مطلوب سیاسی دلالت دارد که خود هم مبین و هم مقدمه توسعه سیاسی است. گو آن‌که نباید از یاد برد که در برخی از جوامع دارای پیشینه تاریخی استبداد، در مواردی مشارکت سیاسی برای بعضی شرکت‌کنندگان، راهکاری مألوف جهت اعلام تابعیت و سرسپردگی است و لزوماً بر آگاهی به حقوق شهروندی و تقاضای مربوط به کسب حقوق سیاسی دلالت نمی‌کند اما با عنایت به این‌که در جهان سیاست هیچ سناریویی هرگز آن‌گونه که نوشته شده پایان نمی‌یابد و نیز با توجه به این واقعیت که نهادینه‌شدن دموکراسی مستلزم شرکت در بازی‌های آن است، همواره این امیدواری وجود خواهد داشت که گسترش میزان مشارکت سیاسی بازنمای کسب مهارت‌های لازم برای شرکت در بازی‌های دموکراسی و قبول نقش‌های شهروندی در فرایند توسعه

سیاسی باشد. در نتیجه مشارکت سیاسی حتی اگر در مواردی بازگوکننده تبعیت از فرمان و تلاشی برای کسب رضایت خاطر فرمانروایان باشد باز هم می‌توان آن را نشانه مثبتی از حرکت به سوی مدرنیته و عامل افزایش آگاهی‌های شهروندی و گسترش جامعه مدنی در طی زمان تلقی کرد.

جامعه مورد مطالعه (شهر خرم‌آباد) هم‌پای با دیگر نقاط کشورمان در مسیر مدرنیته گام برمی‌دارد. در این جامعه شاهد حرکت از يك وضعیت سنتی ایلی قبیله‌ای به سوی وضعیت مدرنیته هستیم. این امر تغییرات مهمی را در چشم‌انداز فرهنگی و اجتماعی خرم‌آباد به دنبال داشته است. هم‌اکنون اکثریت جامعه شهری خرم‌آباد باسواد شده، مراکز آموزشی و دانشگاهی توسعه یافته‌اند، رسانه‌های جمعی همچون رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات در دسترس همگان قرار گرفته‌اند، سطح بهداشت ارتقا یافته، تخصص‌گرایی رشد کرده، استفاده از ابزارهای ارتباطی عمومی‌ت پیدا کرده و...

با این‌همه از جامعه شهری خرم‌آباد نمی‌توان با عنوان يك جامعه مدرن یاد کرد زیرا در این جامعه علی‌رغم پذیرش و کاربرد ابزارهای جدید در قالب فرهنگ مادی از پدیده‌هایی چون فردگرایی، حوزه عمومی فعال و فربه و حاکمیت اقتصاد آزاد که از جمله پایه‌های مدرنیته به‌شمار می‌آیند با اغماض بسیار می‌توان سخن گفت. علاوه بر آن افراد این جامعه به روابط خانوادگی، قومی قبیله‌ای، آداب و رسوم و هنجارهای بومی و اصول مذهبی که از جمله نمادهای جوامع سنتی‌اند به‌شدت پای‌بندند. بر این اساس جامعه شهری خرم‌آباد از نظر مدرن یا سنتی‌بودن وضعیتی بینابینی دارد که از آن می‌توان با عنوان دوران گذار از سنت به مدرنیته یاد کرد.

اگرچه این مدرنیته ناقص است و عنصر کنش آگاهانه در آن خیلی دخالت ندارد و جنبه‌های سخت‌افزاری این مدرنیته بر جنبه‌های نرم‌افزاری آن می‌چربد ولی در هر حال از حیث پیامدهای مشارکتی جلوه‌های نوینی از روابط میان مردم و نظام سیاسی را به‌نمایش می‌گذارد. جامعه‌ای که در آن استفاده از شیوه‌های خصمانه برای حل مناقشات اجتماعی و بین‌گروهی امری عادی تلقی می‌شد و ستیز اجتماعی در آن پدیده‌ای رایج بود اکنون شیوه‌های مسالمت‌آمیزی چون گفت‌وگو، سعه صدر و مدارا به میزان زیادی عمومیت یافته و مبنای حل مناقشات شده است. کنش‌های مشارکتی همچون کنش رأی‌دهی، فعالیت در امور انتخاباتی و حزبی، عضویت در NGOها، سندیکاها، اصناف و... نمونه‌های دیگری از این دست‌اند که در این جامعه به

تدریج در حال نهادینه شدن هستند. براساس یافته‌های این تحقیق اکثریت مردم خرم‌آباد با کنش رأی‌دهی موافق تا کاملاً موافق‌اند. با این‌همه افراد کنش رأی‌دهی را که یکی از مظاهر مشارکت سیاسی و مدرنیته است در قالب تعصبات سنتی جامعه عمل می‌پوشانند. این تناقض که فرد می‌خواهد کنش مشارکت سیاسی را که پیامد مدرنیته است با سوگیری‌های متعصبانه در چارچوب معیارهای سنتی به منصفه ظهور برساند بازتاب آن است که این جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته است.

بر طبق تقسیم‌بندی دورماگن و موشار، با توجه به وضعیت در حال گذار جامعه مورد مطالعه، کنش مشارکت سیاسی به‌ویژه رفتار انتخاباتی کنشگران سیاسی را به هر حال باید در دسته رویکردهای جبرگرا جای داد. در این دسته نیز به لحاظ نقش تعیین‌کننده پایگاه اقتصادی اجتماعی و باورهای دینی کنشگران سیاسی در رفتارهای انتخاباتی به نظر می‌رسد که مشارکت سیاسی این کنشگران (به‌ویژه در انتخابات) بیشتر با مدل تبیینی با متغیرهای سنگین (دورماگن و موشار، 1389: 216 تا 218) انطباق دارد.

براساس نتایج حاصله از این تحقیق رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم خرم‌آباد و نگرش آنان به کنش رأی‌دهی تأیید شده است. یافته‌ها همچنین حاکی از آن هستند که اکثریت پاسخ‌گویان خرم‌آبادی با رأی‌دادن موافق تا کاملاً موافق هستند. میلبرث پیرامون کنش رأی‌دهی می‌گوید: عمل رأی‌دادن مستلزم اطلاعات و انگیزه‌های عمیقی به نسبت سایر فعالیت‌های سیاسی نیست. وی همچنین مدعی می‌شود رابطه ضعیف بین رأی‌دادن و سایر اشکال مشارکت سیاسی هشدار است برای محققان که رأی‌دادن را شاخص معتبری برای تحقق دموکراسی قلمداد نکنند. بر این اساس می‌توان گفت که مردم خرم‌آباد از این‌رو با کنش رأی‌دهی موافق هستند که این کنش مستلزم داشتن مهارت، تجربه، تحصیلات و آگاهی سیاسی بالایی نیست و در واقع کنش رأی‌دهی قابل دسترس‌ترین و کم‌هزینه‌ترین نوع از سطوح مشارکت سیاسی است و بنا بر همین دلایل میزان موافقت با آن زیاد است.

از سویی همبستگی و انسجام اجتماعی در بخش قابل توجهی از جامعه شهری خرم‌آباد که بافتی سنتی و عشایری دارد از طریق پایبندی افراد به سنت‌ها، هنجارها و ارزش‌های قومی و قبیله‌ای تأمین می‌شود. در این جامعه موفقیت فرد مساوی موفقیت طایفه و شکست و یا ارتکاب امور نابهنجار از سوی فرد، سبب سرشکستگی کل طایفه می‌شود. در این جامعه درحقیقت فرد و

طایفه با هم مساوی بوده و رقابتهای انتخاباتی حکم برد و باخت طایفه را دارد. از سوی دیگر خویشاوندگرایی در خرم آباد امری عادی تلقی شده و مبنای تنظیم روابط و کنش اجتماعی است. در چنین شرایطی کاملاً پذیرفتنی است که اکثریت قریب به اتفاق شهروندان موافق رأی دادن بوده و یا فعالانه در انتخابات شرکت نمایند.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم خرم آباد و نگرش آنان به فعالیت در امور انتخاباتی و حزبی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که اکثریت شهروندان خرم آبادی (48/2 درصد) با فعالیت در امور انتخاباتی و حزبی موافق تا کاملاً موافق هستند. میلبرث در این زمینه می‌گوید: تنها درصد اندکی از مردم در مقوله فعالان انتخاباتی و حزبی، در قبال نظام سیاسی قرار می‌گیرند. وی همچنین با تأکید بر یافته‌های مشابه در کشورهای مختلف چنین فعالانی را حدود 15 درصد از جمعیت کشورهای مورد مطالعه دانسته است.

مقایسه کلی بین موافقین خرم آبادی با فعالیت در امور انتخاباتی و حزبی و مشارکت 15 درصدی که میلبرث گزارش کرده نشانگر میل شدید شهروندان برای مشارکت در اینگونه کنشها است. با این وجود با کنکاش در پاسخهای به دست آمده برای شاخصهای فعالیت‌های انتخاباتی و حزبی می‌توان نتیجه گرفت که آنچه شهروندان خرم آبادی با آن موافقت بیشتری دارند فعالیت در امور مربوط به انتخابات است تا عضویت و فعالیت دائم در احزاب سیاسی.

این مسئله را می‌توان چنین تبیین نمود که فعالیت در امور انتخاباتی برخلاف عضویت و فعالیت در احزاب سیاسی نیازمند دانش یا مهارت بالایی نیست. مسلماً هر نوع کنش در قالب تشکیلات حزبی مستلزم آگاهی از ابعاد سیاسی و فرهنگی جامعه و پیامدهای الزامی چنین کنشهایی است. با وجود سابقه يك صدساله احزاب و همچنین تغییرات مهمی که در دهه‌های اخیر در حوزه فرهنگی و سیاسی ایران به وقوع پیوسته است هنوز شرایط مطلوبی برای همه‌گیری فعالیت حزبی مانند آنچه که در جوامع بهره‌مند از توسعه سیاسی دیده می‌شود فراهم نیامده است. تقدیرگرایی، عدم نهادینه شدن فرهنگ مشارکت، محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی و عدم تعریف جرم سیاسی از جمله علل عدم استقبال از اینگونه فعالیتها در کشورمان است.

یافته‌های این تحقیق رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم خرم آباد و نگرش آنان به اقدام برای حل معضلات اجتماعی

را تأیید می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند شهروندانی که دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین هستند، با اقدام برای حل معضلات اجتماعی مخالفت بیشتری دارند. از آنجا که اقدام برای حل معضلات اجتماعی چه به صورت فردی و چه در قالب انجمن‌ها و گروه‌ها نیازمند تحصیلات بالا، تعاملات گسترده با اشخاص حقیقی و حقوقی و عضویت در گروه‌های اجتماعی است، بنابراین افراد با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین که بدون شك از چنین ویژگی‌هایی کمتر بهره‌مند هستند علاقه چندانی به این مقوله نشان نمی‌دهند.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش ضمن تأیید رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم خرم‌آباد و نگرش آنان به تماس‌گرفتن با مسئولان سیاسی حاکی از آن هستند که نزدیک به تمامی شهروندان خرم‌آبادی موافق تا کاملاً موافق با تماس‌گرفتن با مسئولان هستند. همچنین مخالفان تماس‌گرفتن با مسئولان بیشتر از پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین هستند.

به‌نظر می‌رسد که میزان موافقت بالای شهروندان خرم‌آبادی با تماس‌گرفتن با مسئولان ناشی از آن باشد که از نظر آنان وضعیت نظام سیاسی به گونه‌ای است که می‌توان از طریق تماس گرفتن با مسئولان، نقد و نقادی و انتقال خواسته‌ها و نیازها به بهبود اوضاع کمک کرد. این موضوع نشانگر آن است که به طور کلی شهروندان خرم‌آبادی به اصلاحات در آینده امیدوار بوده و از نظر آنان نظام سیاسی حاکم هنوز از مشروعیت برخوردار است.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که حدود نیمی از شهروندان خرم‌آبادی با کنش اعتراض‌آمیز مخالف تا کاملاً مخالف هستند. میلبرث و گوئل در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که منزلت اقتصادی اجتماعی رابطه مثبتی با مشارکت سیاسی نامتعارف دارد.

چند نکته مهم در رابطه با این یافته قابل ذکر است. اول این‌که حدود نیمی از پاسخ‌گویان یعنی 46/9 درصد با کنش اعتراض‌آمیز مخالف تا کاملاً مخالف هستند. به‌نظر می‌رسد هزینه‌های احتمالی کنش‌های اعتراض‌آمیز موجب چنین مخالفت گسترده و موضع‌گیری محتاطانه‌ای شده باشد. دوم آن‌که با بررسی پاسخ‌های داده شده به شاخص‌های کنش اعتراض‌آمیز می‌توان دریافت که میزان مخالفت با کنش‌هایی چون شورش و اقدام به اعمال خشونت بار بیشتر از سایر شاخص‌ها بوده و با کنش‌هایی چون اعتصاب، تحصن، تجمع‌های اعتراض‌آمیز و عدم پذیرش قوانین ناعادلانه مخالفت کمتری دارند.



نکته بسیار مهم آخر هم این که کسانی که موافق تا کاملاً موافق با کنش اعتراض‌آمیز هستند 26/3 درصدند که به‌خودی خود نسبت بالایی را تشکیل می‌دهند به‌علاوه اگر بپنداریم بخشی از شهروندانی که گزینه تا حدودی موافق را برگزیده‌اند (26/8 درصد) هم از روی محافظه‌کاری چنین نموده‌اند مسئله اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند.

این امر ما را به این نتیجه می‌رساند که با عنایت به سابقه تاریخی مبارزات اعتراض‌آمیز شهروندان خرم‌آبادی و همچنین وجود روحیه سلحشوری در فولکلور محلی آنان که به‌راحتی تسلیم وضعیت‌های ناعادلانه نشده و کنش‌های اعتراض‌آمیز را جزء مسائل ارزشی و هنجاری خود به‌شمار می‌آورند از پتانسیل ارتکاب کنش‌های اعتراض‌آمیز برخوردارند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که اکثریت شهروندان خرم‌آبادی موافق تا کاملاً موافق با ارسال پیام برای مسئولان هستند. همچنین شهروندانی که دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین هستند با ارسال پیام برای مسئولان مخالفت بیشتری دارند. موافقت اکثریت شهروندان خرم‌آبادی با ارسال پیام برای مسئولان را می‌توان چنین تبیین کرد که آنان به تغییر وضعیت موجود به شیوه مسالمت‌آمیز امیدوار بوده و در نتیجه به اصلاح امور اعتقاد دارند. همچنین مخالفت افراد با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین با این سبک را می‌توان تأییدی بر نظریه میلبرث مبنی بر لزوم تحمیلات، اطلاعات سیاسی و علاقه بالا برای اعمال این سبک دانست.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهند که بین پایگاه اقتصادی اجتماعی مردم خرم‌آباد و نگرش به مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. براساس این یافته‌ها بیشتر شهروندان خرم‌آباد با مشارکت سیاسی موافق تا کاملاً موافق هستند. روی هم‌رفته یافته‌ها نشان‌دهنده نگرش مثبت افراد جامعه مورد مطالعه (شهروندان خرم‌آبادی) به مشارکت سیاسی است. بدیهی است که این میزان موافقت در سطوح مختلف مشارکت سیاسی یکسان نیست. همچنین افراد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین با مشارکت سیاسی موافقت کمتری دارند. در تبیین این امر باید گفت کسانی که از سطح سواد بالایی برخوردار نبودند، درآمد کافی دریافت نمی‌کنند و از پرستیژ شغلی پایینی برخوردارند طبیعتاً به میزان کمتری در امور سیاسی مداخله می‌کنند و در مقابل اشخاص با پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا که از منابع اطلاعات، مهارت، شایستگی، احساس تعهد مدنی و... برخوردار بوده و دارای تعاملات گسترده‌تری هستند فرصت

های مشارکت بیشتری هم دارند. براساس نتایج به دست آمده در این تحقیق زمینه های فرهنگی و اجتماعی لازم برای توسعه مشارکت سیاسی در خرم آباد وجود دارد. چراکه نگرش کلی شهروندان خرم آبادی نسبت به مشارکت سیاسی مثبت است. از سویی مشارکت یا عضویت 1/8 درصد اعضای شهروندان خرم آبادی در تشکلهای سیاسی نشان می دهد زیربنای قانونی و ساختارمند لازم، جهت فراگیری مشارکت سیاسی به طور کامل مهیا نشده است.

چنین به نظر می رسد که حاکمیت سیاسی می تواند با فراهم نمودن زمینه های لازم مانند ارتقای وضعیت اقتصادی اجتماعی جامعه از طریق توسعه همه جانبه و همچنین با بسط حوزه عمومی، افزایش سطح آگاهی های سیاسی مردم، بازنگری و اصلاح برخی از قوانین موجود و... شرایط مساعدتری برای مشارکت سیاسی فراهم آورد.

### منابع

- بشیریه، حسین (1382)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: نشر گام نو.
- پای، لوسین و دیگران (1380)، *بحرانها و توالیها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیران، پرویز (1376)، «مبانی مفهومی و نظری مشارکت زنان روستایی»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*.
- دورماگن، ژان ایو و دانیل موشار (1389)، *مبانی جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر آگه.
- راش، مایکل (1381)، *جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر سمت.
- سیفزاده، سیدحسین (فروردین ماه 1373)، «مشارکت منفعلانه و علل تداوم آن»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره 31، صص 154-166.
- میلر، دلبرت چارلز (1380)، *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایینی، تهران: نشر نی.
- میلبرث، لستر و لیل گوئل (1386)، *مشارکت سیاسی*، ترجمه سیدرحیم ابوالحسنی، تهران: نشر میزان.
- نایبی، هوشنگ و حمید عبداللهیان (1381)، «تبیین قشر بندی اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره 20، پاییز و زمستان.
- یو، دال سیونگ (1381)، *فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی*، تهران: انتشارات خانه سبز.

Haralambos and Holborn (2000), *Sociology (Themes and Perspectives)*, London: Harper Collins.

Marshall, T.H. (1973), *Class, Citizenship and Social Development*, Westport, Conn: Greenwood.

Sills, D. (1968), *Political Participation, International Encyclopedia of the social Science*, New York: Collier-McMillan, Vol. 12, No. 3.

محمدجواد زاهدی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور است (نویسنده مسئول).

J\_zahedi@yahoo.com

علی بیرانوند، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر مسائل اجتماعی است.

تحلیل تفاوت‌های مکانی سرمایه اجتماعی در...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 2

## تحلیل تفاوت‌های مکانی سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی کشور

(مقایسه تطبیقی مراکز شهری و روستایی شهرستان ارومیه)

خدارحم بزی، اکبر کیانی، یاسین حنیفی اصل، امیر راضی

**چکیده :** سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی مهم و اساسی در ابعاد مختلف توسعه یک جامعه، موضوع پژوهش حاضر است. اهمیت اش آن‌قدر زیاد است، که از زوایای گوناگون روند رشد و توسعه یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. با توجه به تحولات اخیر جهان (به‌ویژه در سطح منطقه خاورمیانه) و اعمال فشارهای مختلف بر کشور، از ناحیه دولت‌های خارجی در راستای دستیابی به اهداف زیاده‌طلبانه خود، بحث مرزداری و حفظ و صیانت از مرزهای کشور در مقابل این فشارها، می‌تواند به عنوان یک امر سرنوشت‌ساز مطرح باشد. مطابق با این امر، اساس مطالعات این تحقیق در بُعد اول بر پایه نظریه جین جیکوب مبنی بر این‌که در حفظ و نگهداری و بالابردن کیفیت زندگی در یک مکان، عامل سرمایه اجتماعی نسبت به نهادهای رسمی (نیروهای حفاظتی و انتظامی) نقش و مسئولیت بیشتری ایفا می‌کند، استوار می‌باشد. منطبق بر همین ایده و در بُعد دوم، با توجه به شیوع تفکر رشد نقاط شهری در مناطق مرزی و با فرض بالابودن میزان سرمایه اجتماعی در نقاط روستایی